

هنریک ایبسن

تاریخ تولد	۱۸۲۸ - ۹/۲۱
تاریخ وفات	۱۹۰۶ - ۹/۵
محل تولد	اسلو، نروژ
محل وفات	اسلو، نروژ
سازمان	ادبیات
موضوعات	نمایشنامه، فیلم، رمان، داستان کوتاه
مدرسه تحصیلی	مدرسه هنرهای نمایشی
پدر	کارکن
همسر	سولوستا لویس
فرزین	لیوا، سولوستا، گریگور، یوا

پلایز انامه

نروژ: ۱۸۹۸

سوئد: ۱۸۹۸

دانمارک: ۱۸۹۸

آلمان: ۱۸۹۸

هدا گابریل

هنرمند و نویسنده ایرانی، از جمله نویسندگان برجسته ادبیات فارسی است. او در زمینه‌های مختلف ادبی و فرهنگی فعالیت داشته و آثارش در سراسر جهان شناخته شده است. او همچنین در زمینه ترجمه و تالیف آثار فلسفی و ادبی نیز فعالیت داشته است.

او در سال ۱۳۳۱ آغاز به کار کرد. یکی از برجسته‌ترین آثار او کتاب «فلسفه سیاست» است که به صورت مجموعه‌ای از مقالات و سخنرانی‌ها درآمده است.

مترجم

مینو مشیری

او در زمینه ترجمه آثار فلسفی و ادبی نیز فعالیت داشته است. او همچنین در زمینه تالیف آثار فلسفی و ادبی نیز فعالیت داشته است.

او در زمینه ترجمه آثار فلسفی و ادبی نیز فعالیت داشته است. او همچنین در زمینه تالیف آثار فلسفی و ادبی نیز فعالیت داشته است.

او در زمینه ترجمه آثار فلسفی و ادبی نیز فعالیت داشته است. او همچنین در زمینه تالیف آثار فلسفی و ادبی نیز فعالیت داشته است.

او در زمینه ترجمه آثار فلسفی و ادبی نیز فعالیت داشته است. او همچنین در زمینه تالیف آثار فلسفی و ادبی نیز فعالیت داشته است.

او در زمینه ترجمه آثار فلسفی و ادبی نیز فعالیت داشته است. او همچنین در زمینه تالیف آثار فلسفی و ادبی نیز فعالیت داشته است.

او در زمینه ترجمه آثار فلسفی و ادبی نیز فعالیت داشته است. او همچنین در زمینه تالیف آثار فلسفی و ادبی نیز فعالیت داشته است.

فهرست مطالب

هنریک ایبسن (۱۸۲۸-۱۹۰۶)

مقدمه مترجم..... نه

نمایش نامه هدا گابلر

نام بازیگران..... ۲

پرده اول..... ۳

پرده دوم..... ۳۳

پرده سوم..... ۶۱

پرده چهارم..... ۷۹

مقدمه مترجم

هنریک ایبسن^۱ (۱۸۲۸-۱۹۰۶)

تا همین بیست سال پیش رسم بر این بود که عده‌ای انواع و اقسام اتهامات گوناگون را، از بی‌حرمتی به عفت و تقوا و نظام اجتماعی گرفته تا تبلیغات ضد مذهبی، به ایبسن، نمایش‌نامه‌نویس معروف نروژی، نسبت دهند.

از طرف دیگر، عده‌ای نیز دوای درد و راه‌حل همهٔ مسائل سیاسی، اجتماعی و اخلاقی دنیوی را در آثارش جست‌وجو و احتمالاً پیدا می‌کردند. نتیجه این شد که از وی غول عظیم و وحشتناکی ساخته شد که البته نمی‌توانست وجود خارجی داشته باشد و در حقیقت هم نداشت، چون هیچ یک از این دو قضاوت افراطی در موردش صدق نمی‌کرد.

تدریجاً صاحب‌نظران وی را آنچنان شناختند که شایسته و حقش بود؛ یعنی یک استادکار در فن نمایش‌نامه‌نویسی، با مهارتی استثنایی و خارق‌العاده تا آن‌جا که اغلب نمایش‌نامه‌نویسان جدی اروپا به تقلید از وی برخاستند؛ نویسندگانی چون چخوف^۲، برنارد شاو^۳ و پیراندلو^۴ از جمله کسانی بودند که بسیار تحت تأثیر ایبسن قرار گرفتند.

قضاوت عاقلانه و عادلانه‌تر منتقدان سال‌های اخیر جایگزین آن

1. Henrik Ibsen

2. Tchekhov

3. Bernard Shaw

4. Pirandello

تهدمت‌های ناروا و تعریف‌های ناشایست گردید و ثابت و روشن شد که عقاید ایبسن نه فقط انقلابی و افراطی نبوده، بلکه می‌توانند نظریات هر انسان فهمیده و هوشمندی باشند.

برای مثال، در اینجا شاید بی‌جا نباشد اگر به برخی از معروف‌ترین آثارش اشاره کنیم. در سال ۱۸۷۹، نمایشنامهٔ *خانهٔ عروسک* ایبسن با موجی از انتقاد و اعتراض مواجه گشت. نورا، قهرمان زن این داستان، به این دلیل که شوهرش با وی همچون یک عروسک یا یک حیوان نازپروردهٔ خانگی رفتار می‌کند، وی را ترک می‌گوید. کوتاه‌نظران به غلط این نمایش‌نامه را رساله‌ای ضد ازدواج پنداشتند، در صورتی که پیام ایبسن در واقع این حقیقت انکارناپذیر بود که هر کس باید ماهیت اصلی خویش را جست‌وجو و پیدا کند.

هنگامی که شوهرش به وی گوشزد می‌کند که قبل از هر چیزی نورا وظیفهٔ یک مادر و یک همسر را دارد، وی در جواب می‌گوید: «قبل از هر چیزی من یک انسان هستم».

دو سال بعد، ایبسن جواب منتقدان *خانهٔ عروسک* را با نمایشنامهٔ *ارواح* می‌دهد. این بار داستان دربارهٔ زنی است که به علت قیود اجتماعی و «حرف‌های مردم» زندگی زناشویی را با شوهری فاسدالاخلاق و مبتلا به سفلیس ادامه می‌دهد و همین امر باعث بروز حوادث و اتفاقات وحشتناکی می‌شود. باز هم فریاد معترضان به آسمان رفت و باز هم ایبسن یک سال بعد، یعنی در سال ۱۸۸۲، با نمایشنامهٔ جدیدی به نام *دشمن اجتماع* جواب دندان‌شکنی به آن عده داد؛ در سراسر این کمدی ایبسن بی‌رحمانه اجتماع دورو و ریاکار عصر خودش را به باد انتقاد و تمسخر می‌گیرد.

ایبسن در سال ۱۸۸۴ با *مرغابی وحشی* و در سال ۱۸۹۰ با *هدا گابلر* نشان می‌دهد که هرگز نخواست است معلم اخلاق یا حلال مشکلات باشد؛ ادعایی هم ندارد که جوابگوی همهٔ سؤال‌هاست، بلکه قبل از هر چیز وی یک هنرمند اعجاب‌انگیز و در فن خود استاد بی‌مانندی است. ایبسن در نمایش‌نامه‌هایش در نهایت سادگی و در عین حال با قدرتی بی‌نظیر با مطالعهٔ روانی اشخاص و نشان دادن موقعیت‌های گوناگون و بررسی مسائل گوناگون انسانی، خواننده را بیدار می‌کند و ذهنش را روشنی می‌بخشد؛ و این خود نوعی ارشاد است.

نام بازیگران

Hedda Gabler	هدا گابلر
George Tesman	جرج تسمان
Hedda Tesman	هدا تسمان (همسرش)
Miss Juliana Tesman	دوشیزه جولیانا تسمان (عمهٔ جرج تسمان)
Mrs. Elvsted	خانم الوشتد
Judge Brack	قاضی براک
Eilert Lovborg	آیلرت لاو برگ
Berta	برتا (مستخدمهٔ خانوادهٔ تسمان)

پردهٔ اول

صحنه، اتاق نشیمن وسیع و زیبایی است که در نهایت سلیقه به رنگ‌های تیره تزیین و مبله شده است. در قسمت عقب، درگاه پهنی با پرده‌های کنارزده این سالن را به اتاق کوچک‌تری، که به همان طرز تزیین شده است، متصل می‌سازد. یک در کشویی، در دیوار سمت راست سالن جلو به دالان باز می‌شود. در سمت چپ پنجره‌های بلند شیشه‌ای با پرده‌های کنارزده به چشم می‌خورد. قسمتی از بالکن و چند درخت خزان‌زده از پشت شیشه‌ها نمایان است. در وسط و جلوی صحنه میزی بیضی‌شکل قرار دارد که رویش رومیزی و دورش صندلی است. در سمت راست جلوی صحنه یک بخاری بزرگ چینی به رنگ تیره، یک صندلی پشت‌بلند و دو چهارپایه گذارده شده است. یک نیمکت و در مقابلش یک میز گرد کوچک قسمت جلوی سمت راست صحنه را تکمیل می‌کند. در سمت چپ جلوی صحنه یک کاناپه و قدری عقب‌تر از پنجره‌های شیشه‌ای یک پیانو دیده می‌شود. در هر دو طرف درگاه وسط سالن قفسه‌های کتاب قرار دارد. در انتهای اتاق کوچک عقبی یک نیمکت و یک میز و چند صندلی چیده شده است. بالای نیمکت تابلوی مرد مسنی در لباس نظامی به دیوار آویخته است. یک چراغ با حباب شیری‌رنگ از سقف روی میز آویزان است. چندین گلدان گل در قسمت‌های مختلف سالن دیده می‌شود. کف هر دو اتاق با فرش‌های ضخیم پوشانده شده است. صبح است و آفتاب از پنجره‌های شیشه‌ای به درون سالن تابیده.